

داوود فتحعلی‌بیگی معتقد است بهترین راه مبارزه اجتماعی، مبارزه با دروغ‌گویی و تقلب است. این هنرمند با سابقه تئاتر تأکید می‌کند که کار فرهنگ، تعطیل بردار نیست و کسانی که در سریال‌ها دستمزد آنچنانی می‌گیرند، نمی‌توانند درباره کار کردن بدنه ضعیف تئاتر اظهارنظر کنند. او با ابراز تاسف از وضعیت معیشتی هنرمندان تئاتر می‌گوید: اتفاقاً مشکل جامعه ما فقر فرهنگی است و این چه استدلالی است که می‌گوید فعالیت فرهنگی را تعطیل کنیم؟! این

کار فرهنگ تعطیل بردار نیست

جهانی مهیا اما ناآشنا

پردیس تئاتر تهران در تمام سال‌های راه‌اندازی‌اش هنوز با مدیریت و برنامه‌ریزی جدی همراه نشده و به همین دلیل با زهدی و بهره‌وری لازم را برای پیشرفت فرهنگی مناطق جنوبی تهران پیش روی نداشته است.

راه‌اندازی و گشایش

شش سال از تاریخ‌گشایش پردیس تئاتر تهران می‌گذرد. شروع ساخت این مرکز از سال ۱۳۸۶ بود و گشایش رسمی مرکز هنرهای نمایشی پردیس تئاتر تهران با حضور شهردار وقت تهران و جمعی از هنرمندان تئاتری، ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ در منطقه ۱۵ تهران است.

این مجموعه که توسط سازمان توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران ساخته شد با داشتن شش سالن نمایشی، بزرگ‌ترین مجموعه سالن‌های نمایشی در ایران است اما بسیاری از صاحب‌نظران یکی از ابتدایی‌ترین انتقادهایی که به این مجموعه وارد کردند، موقعیت مکانی این تماشاخانه است. هنرمندان تئاتری با توجه به این نکته که همه سالن‌ها و تماشاخانه‌های شهر تهران در مرکز شهر گرد آمده‌اند، بر این باور هستند که پردیس تئاتر خاوران، با توجه به امکانات فنی خوبی که دارد در جایی دورافتاده بنا شده که ظرفیت جذب مخاطب گسترده را ندارد. البته می‌توان گفت این یکی از عادات غلط مخاطبان تئاتر باشد اما به هر جهت خیلی از گروه‌های نمایشی بهتر می‌پسندند در سالن‌های خصوصی مرکز شهر با امکانات بسیار کمتر و هزینه بیشتر، آثار نمایش‌شان را به اجرا درآورند اما مخاطبان‌شان را برای آمد و شد در این راه دراز به زحمت نیندازند.

آرزو‌هایی که در پردیس تاتر، خاک می‌خورند

به روایتی، پردیس تئاتر تهران، بزرگ‌ترین مرکز تئاتر حرفه‌ای ایران است که در جنوب شرقی تهران ساخته شده است. این پردیس در زمینی به مساحت ۲۵ هزار و ۲۰۰ مترمربع و با زیربنای ۱۶ هزار و ۳۲۰ مترمربع جنب فرهنگسرای خاوران در بزرگراه امام علی، اتوبان شهید محلاتی شرق، خیابان شهید شادآبادی جنوبی، بعد از میدان مالک‌اشتر، خیابان بقایی واقع است.

پردیس تئاتر خاوران که با هدف یک مرکز تخصصی برای تئاتری‌ها بنا شد و حتی سالن‌های خود را به‌نام هنرمندان شناخته شده و فقید هنر

نگاه

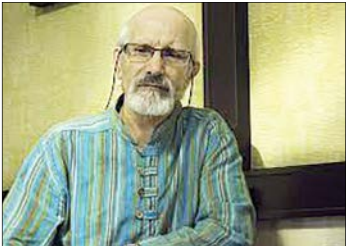
فرهنگسراها و تالارهای همچنان خاموش

شهرداری‌ها در همه جهان وظیفه حمایت از تئاتر را نیز به‌عهده دارند و به همین دلیل است که در فرهنگسراهای وابسته به شهرداری حتماً تالارهایی هم برای اجرای تئاتر و جذب مخاطبان ایجاد می‌شود و همچنین حمایت از گروه‌های تئاتری و تولیدات نمایشی نیز برای تداوم چنین منظوری صورت می‌گیرد.

در تهران نیز در مناطق ۲۲گانه این فرهنگسراها فعال هستند و در مقاطعی بنا بر مدیریت شهرداری و سازمان فرهنگی و هنری، فعالیت‌شان گاهی پرنرگ و گاهی کم‌رنگ می‌شود و در سه سال

کارگردان و مدرس تئاتر ادامه می‌دهد: فعلاً همه چیز بلاتکلیف و معلق و شرایط اقتصادی هم که اسفناک است. بنابراین درک می‌کنم که بعضی از فعالان تئاتر نتوانند کار کنند چون متأسفانه در بحران‌های اقتصادی، اولین چیزی که حذف می‌شود، کالای فرهنگی است و خانواده‌ها بیشتر درگیر تأمین خورد و خوراک و اجاره خانه می‌شوند، تازه اگر درآمدها به همین‌ها هم برسد! او در حین حال دربار بعضی نظریات در زمینه تعطیلی تئاتر در شرایط

فعلی می‌گوید: معضل بزرگ جامعه ما اتفاقاً معضل فرهنگی است اما چرادر این وضعیت می‌گویند تئاتر باید تعطیل شود، مگر کار فرهنگ تعطیل بردار است؟ کسی که برای یک سریال شش میلیارد تومان دستمزد می‌گیرد که نمی‌تواند درباره کار کردن یا نکردن بدنه ضعیف تئاتر حرفی بزند. چنین کسی تأخر عمرش اگر کار هم نکند، باهاهم سود بانکی پولش می‌تواند زندگی کند ولی بچه‌های تئاتری که دستمزدی ناچیز دارند، چرا باید از همان هم محروم شوند. /ایسنا



«فقط یک دقیقه طول می‌کشد»



در ۳۰ سال پیش ایده‌ای بسیار خوب بود، زیرا مدیریت کشور به فکر این بود که شمال و جنوب تهران با هم تفاوت نداشته باشد و تئوری عدالت فرهنگی از سوی مدیران دنبال می‌شد اما ساختار فکری و اجرایی کار در تهران خیلی تغییر کرده است. شرایط هنری، مکان‌ها و حتی یافت هنری مراکز با آن سال‌ها قابل مقایسه نیست و نگاه، خیلی حرفه‌ای شده است. زمانی برای گذراندن دوره‌های آموزشی در حوزه هنر با محدودیت‌های بسیاری مواجه بودید، ولی حالا روند تغییر کرده است. به همین دلیل بهره‌گیری از پردیس تئاتر تهران نیزآمده برنامه‌ریزی جدیدی در حوزه کلان فرهنگی هستیم»، مریم کاظمی، کارگردان تئاتر که تنها تئاتر پرمخاطب را در پردیس تئاتر تهران روی صحنه برده است درباره ارتقای جایگاه این پردیس می‌گوید: «هر مکان جدیدی به غیر از تئینیات و ظاهر زیبا، باید از امکانات زیربنایی و اساسی لازمی نیز در راستای اهداف آن برخوردار باشد، بنابراین پردیس تئاتر تهران نباید صرفاً فضایی برای برگزاری توره‌ای یک‌روزه یا چندروزه مدیران و هنرمندان باشد، بلکه باید به مکانی برای برگزاری نمایش‌ها و تمرین‌های گروه‌های نمایشی و به‌ویژه مردم تبدیل شود.» وی بیان کرد، «اگر در مکان‌های هنری و فرهنگی شاهد طنین صدای خنده و شادی مردم نباشیم، آن فضا هرچند زیبایی‌رین و بزرگ‌ترین مکان باشد به فضایی فرسوده و دلگیر تبدیل خواهد شد.»

مریم کاظمی برای این منظور در این پردیس فعالیت کرده و در کنار او هنرمندانی چون فرهاد تجویدی و نادر نادریور نیز کارهای در خوری در این مکان فرهنگی اجرا کرده‌اند اما جای بسیاری از هنرمندان شناخته‌شده همچنان خالی است که در شناساندن این مکان همکاری کنند.

زمینه‌ساز اتفاقات بایسته به منظور رشد فرهنگی باشد. بنابراین می‌دانیم حداقل امکانات برای چنین منظوری در سطح کلاتشهر تهران وجود دارد اما نبود مدیریت مانع جدی گرفتن آن شده و با آن‌که هنرمند‌های میلیاردی برای چنین ساخت و سازهایی انجام شده اما بنابر ناکارآمدی و ناشناختگی مدیران چندان توجهی به آن نمی‌شود و این به مرور برباد دادن سرمایه ملی را بر ما گوشزد می‌کند، چون همین ظرفیت‌های موجود نیز در گذر زمان دچار فرسودگی خواهند شد و به جای آن‌که تولیداتی به مردم ارائه شود در این مسیر سوت و کور در دیوار و تمام امکانات و تجهیزات به مرور فرسوده و از کار افتاده خواهند شد و آنگاه باید در حسرت آن دچار چه کنیم، چه کنیم شد. اگر در گذشته‌ها و برهه‌هایی این فرهنگسراها فعالیت کرده‌اند، امروز هم این امکان هست اما چرا نباید مورد استفاده قرارگیرد؟ حتماً تصمیمات اشتباهی چنین منظوری آسیب را باعث شده است.

تالارهای نمایشی شهرداری تهران موجودند، چرا نباید با تدبیر و مدیریت راستین به‌دنبال تداوم فعالیت‌های آنها نبود. جمعیت میلیونی تهران باید مدام نسبت به فرارزا رودررویی و چالشی بهتر از تئاتر که چنین امر مهم و خطیری را به‌راحتی ی فرهنگی، لازم و ضروری جامعه آگاه شوند و چه تسهیل می‌بخشد و همیشه نیز پیامد مثبت و کارآمدی را به‌دنبال خواهد داشت. غفلت از تئاتر و فعالیت‌های تالارهای نمایشی قطع ارتباط همگانی را تبدیل به اثر ضد فرهنگی خواهد کرد و پس از این متوجه کردن و آگاهی‌بخشی در گسست فرهنگی خود یک عامل ذی نفوذ در ایجاد بحران‌های اجتماعی خواهد بود. به تعبیری باید تئاتر در فرهنگسراها جدی گرفته شود و مدیریت سازمان فرهنگی، هنری هم در ساخت و ساز تالارهای نمایشی اقدام کند و هم در زمینه فعالیت همه تالارهای موجود نیز با جلب حمایت از گروه‌های نمایشی،

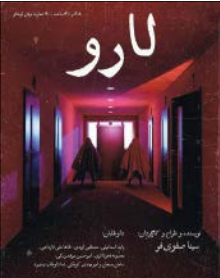


صحنه

«لارو» در عمارت نوفل لوشاتو به صحنه می‌رود

نمایش «لارو» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی سینا صفوی‌فر از ۱۸ آذرماه ساعت ۱۹ در عمارت نوفل‌لوشاتو روی صحنه می‌رود. بازیگران این نمایش پانید اسماعیلی، مصطفی ابزیدی، طاه‌ا علی قارداشی، مصی‌فخرذاکری،امیرحسین میرفندرسکی، سامان مستعان و امیرمه‌دی کوشکی هستند. در

خلاصه داستان این نمایش آمده است:لارو یک چرخه دگرونی است و هرکدام ما جزو یک سیستم هستیم که به ناچار باید زیست کنیم. لارو، در شرکی اتفاق می‌افتد که با استفاده از فناوری نو می‌تواند بخشی از ذهن افرادی که تمایل دارند خاطرات تلخ و ناگامی‌های خود را پاک کنند، از بین ببرد. حال، نو جایگاهت و پدیدان و بنشین به دیدن لارو؛ یاد چیزی نمیفتی؟ شاید چندوقت دیگر نوبت تو باشد. دیگر عوامل نمایش لارو عبارتند از: مشاور کارگردان: امین اکبری نسب، دستیار کارگردان: عرفان کریمی طاری، منشی صحنه: ملیکا افسری‌راد، مدیر صحنه: علیرضا دماوندی، طراح صحنه: سینا صفوی‌فر، طراح نور و مجری نور: علی داغ‌کارزان، طراح گریم و مجری گریم: ملیکا رفیع‌نژاد، آهنگساز قطعه اول (پیانو): پانید اسماعیلی، آهنگساز قطعه دوم: پوریا قلی‌پور، دوخت لباس: مریم یونس، ساخت تیزر: سینا صفوی‌فر، موسیقی تیزر: پانید اسماعیلی، طراح پوسترو پروشور: ابامرعلی علی‌رضایی و مجری طرح: آکا‌دمی بازیگری پانید.



روزنما

فرهاد ناظرزاده کرمانی، از بزرگان تئاتر ایران است که نقشی بی‌بدیل در تربیت نسل تئاتری امروز کشور دارد. او که سال‌ها به آموزش هنر تئاتر در دانشگاه‌ها مت گذاشت، زاده یکی از روزهای پاییزی، آذر ۱۳۲۶ است که امروز هفتادوپنجمین سالروز تولدش را جشن می‌گیرد.

دکتر ناظرزاده از سال ۱۳۵۶ کار تدریس را در دانشکده هنرهای دراماتیک و دوره فوق‌لیسانس صداوسیما آغاز کرد و از اوایل دهه ۶۰ و بعد از انقلاب فرهنگی، در دانشکده هنرهای زیبا به آموزش چند نسل از دانشجویان تئاتر پرداخته است.

ناظرزاده که دست توانایی در درام‌نویسی دارد در کارنامه خود، نگارش نمایشنامه‌هایی همچون کنار شیر آتش‌نشانی، نل‌بک و بهمن، افق در استانبول، قفس دریدگان، گدازبان‌پران پل سرنوشت و… را دارد.

جام جمه

تئاتر

THEATER

۱۱

یکشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۱

شماره ۶۳۷۲

نقد

نگاهی به نمایش «فقط یک دقیقه طول می‌کشد»

نگاه خلاق یک کارگردان

به راحتی می‌شد فهمید در اجرای نمایش «فقط یک دقیقه طول می‌کشد»، سیدعلی تدین صدوقی در مقام یک کارگردان نوجو بر آن است که فراتر از متن نسبتاً اخلاق‌گرای سمعود سمیعی حرکت و خلاق تر از متن، اجرایش را بسامان و مستقل کند. به این دلیل که هم در ساختار پیشرو باشد و هم فراتر از جنبه‌های اخلاقی بتواند ساختارمندی اثر را توجهیی درست برای اجرای این متن در سرزمینش در نظرگیرد، چون متن در یک کشور سرمایه‌داری و الزاماً آمریکا می‌گذرد اما این متن، این روزها در ایران ما به دلیل رویکرد سرمایه‌محورانه برخی از شهروندان می‌تواند مصداق و مایه‌اژ داشته باشد. پس ضرورتی ندارد راه را دور کنیم و در جایی دیگر یک مسأله اخلاق‌محور را به چالش بکشیم؛ دست‌کم در این روزهایازی نیست شاید دوسه دهه پیش چنین متن و رویکردی به عنوان نظام سرمایه‌محور یا آمریکا می‌توانست جذباتی داشته باشد اما امروز حکایت‌پنجاندن لقمه دوردارد که به زیرکی تدین صدوقی یا را فراتر از یک نقد اجتماعی و اقتصادی می‌گردد و با این وضعیت برخورد بهتری می‌کند و بر جنبه شوخی و وطن‌این قضایا می‌افزاید و از این وضعیت ترازیک که باید پایان بخش آن مرگ باشد و از این‌که یک نفر از این زن و شوهر خیانت‌کار به سزای عملش برسد و ترازوی انفاق بیفتد، پا فراتر می‌نهد و به دنبال نقیضه کردن این شرایط است و از فضای شوخی و بازی بهره‌مند می‌شود و حتی در شکل افراطی و پسامدرن‌گونه در پایان نیز چندگونه مرگ احتمالی را در نظر می‌گیرد که کدام یک از این دو، برنده کارزار رفتن به سمت خودکشی و درواقع درنهایت دیگرکشی است.



زن وشوهری که به جدایی عاطفی رسیده‌اند و در کنار این دو نیز یک مرد و یک زن دارند آنها را سمت‌وسو می‌دهند که به دیگری چه بگویند یا چه کار کنند که بهتر باشد. این دو همراز توسط کارگردان به متن سمیعی افزوده شده‌اند که حالت روان‌شناسانه اثر هم عینی‌تر و ملموس‌تر شود و هم ابعاد تازه‌تری را به لحاظ ساختاری به اثر بیفزاید که کار اصطلاحاً نمود بهتری داشته باشد و از حالت تخت و یکپوخت اجرایش بیرون آید. به نظر که نگره روان‌شناسانه در آمیزش با پیکره پسامدرن ارزش کار را دوچندان می‌کند و این‌گونه حضور کارگردان و درواقع خوانش او از یک متن شکل مستقل و خلاقه‌تری می‌یابد. همین حکم دخالت درست و بسامان است که اعتبار کارگردانی تدین صدوقی را بر مخاطب معلوم و روشن می‌کند که درواقع خوانش بسامان با ذهنیت کارگردان در نقش یک ارزش افزوده، یک اجرا را درجه وشکوهِ در خور تأمل می‌بخشد و این نگره، بانی درخشش و چشمگیر شدن یک متن به‌ظاهر ساده و خطنی شده که حالت چندگانه و حاوی فراز و نشیب به خود گرفته و با نسبی‌گرایی ساختار پسامدرن، اجرا همخوانی با دلیلی می‌یابد. به هر روی، این نمایش یکی از کارهای قابل‌بذیرش تدین صدوقی است که او را در مقام یک کارگردان نوجو تثبیت می‌کند و این خود سراغ‌از یک راه تازه است که از او، یک کارگردان پیشرو بسازد؛ البته این دیگر به تلاش تدین صدوقی برمی‌گردد که چقدر بتواند در این راه دوام بیاورد. می‌دانیم تئاتر، هنری پرهزینه و کم‌درآمد است و در بیشتر مواقع شکست تحمیلی مانع از تحقق این راه خواهد شد و کمتر کارگردانی موفق به تداوم کار خواهد شد و به همین دلیل، شاید ورودی بسیار برای تئاتر باشد اما تداوم کمتری برای آنان رقم خواهد خورد.

